

نویسند

سال سوم، شماره ۲۵، نشانه ۲۶ فروردین ۱۳۳۷ (وابسته به حزب توده ایران)

سلسله مقالات «نویسند» دربارهٔ ویژگیهای جنبش کارگری ایران و نقش روشنفکران انقلابی و مبارزان مارکسیست در قبال آن (۳)

مبارزهٔ صنفی چگونه سیاسی میشود

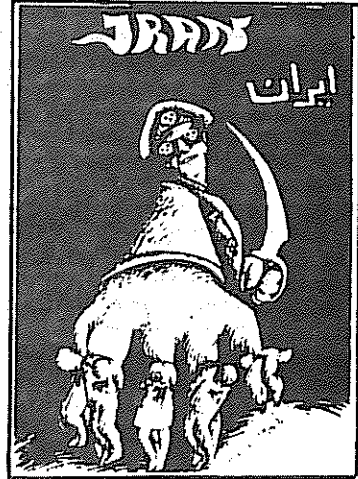
این که مایع همه کارگران یک کشور یکسان است و سرانجام در یک این غریب و فریخته که کارگران برای رسیدن به هدفی خاص و برابری مساوی خود را با یکدیگر به فعالیت سیاسی اند، به طور خود به خود در کارگران ایجاد نمی شود. تاثیر نامد کننده این نوعی طبقاتی است که کارگران به سه نوع سیاسی چون رنگ های آن ها مایع از آن است که کارگران به سه طایفه طبقاتی خود واقع شوند.

رشد آگاهی طبقاتی پرولتاریا و رشد بهترین است و در کوشش های مختلف به سرعت فعالیت انجام می پذیرد. رسالت هر حزب طبقاتی کارگر در این مرحله به شدت و بزرگ خود نمایی می کند. این حزب برای انقلابی آگاهی طبقاتی کارگر به مبارزه باید تولید می برد از جنبش کارگری که به طور خود به خود با حرکت های صنفی و اقتصادی آغاز می شود و در مبارزات سیاسی رشد کلی می کند. دست مایع مبارزه سیاسی کارگران و به تولیدی آگاهی است.

هر مبارزه صنفی اقتصادی و واحدی نامدی سیاسی است. جنبش کارگری به این مبارزه اقتصادی نمی تواند به طور گسترده جنبه سیاسی پیدا کند و رسالت تاریخی طبقاتی را به انجام برساند. اما اگر مبارزات اقتصادی به نبرد سیاسی فراتر رود و پرولتاریا در اسارت سرمایه و در تارهای حکومت استبداد باقی نماند، مبارزه صنفی و اقتصادی به مایع نظام سرمایه داری لطیف می شود. این مبارزه صنفی و اقتصادی کارگران را متحد می کند. این تجربه تاریخی و زندگی به زحمت کشانی می آموزد که کامیابی ها و فلاکت ها و تنگنای های صنفی و مطالباتی به این پیوسته های سیاسی و تمدنی شده نیست و هر لحظه ممکن است مورد تجاوز و سرکوب قرار گیرد. کارگران باید دولت آنان برای پایداری کردن دستاوردهای کارگران و برای پیشبرد طبقه آنان، کوشش در دست و پا زدن می دهند. این تجربه تلخ و راضی صحن خود با کوشش و پیوست و استخوان مان از خود بهم خبر فاش می کردن اتحادیه های واقعی کارگران و تغییر فاشون کار در دست از جنبش پس از کودتای ۲۸ مرداد، از آن جمله است که حق اقتصاب، نمونه ای از فرصت طلبی و به همکاری مستبدانه طبقات حاکمه است.

مبارزه طبقاتی پرولتاریا هنگامی به طور جدی و شالوده های گناز می شود که از چارچوب طبقاتی و بزرگتر می شود و به مبارزه برای تبدیل به قدرت حاکمه بدل گردد. یعنی تمام طبقه سرمایه داران و دولت پاسداری طبقاتی آنان را آماج قرار دهد.

شأن طبقاتی کارگر از مبارزه طبقاتی کارگر فراتر می رود. این شایع پایه صنفی دارد. در نظام سرمایه داری هر کارگری بی توجه به سایر عوامل اجتماعی و اقتصادی و تبعیضات که در کوشش پرولتاریا در این شرایط تاریخی و روحیه انفرادی پرولتاریا کارگر به بازتسا به طبیعی و اجتماعات نامدی می آید. اما احساس عدم وحدت و همبستگی و با توجه به با توجه به در مورد کارگر و همچنین به معنای آگاهی طبقاتی نیست. در یک این واقعیت که کارگران برای بهبود سرنوشت و نجات آزادی راهی جز مبارزه علیه سرمایه داران ندارند و در یک این واقعیت که کارگران طبقه واحدی مستند از دیگر طبقات جامعه را تشکیل می دهند و



سیاست بمب و چماق هم محکوم به شکست است

حوادث ماههای اخیر، به ویژه رویداد های هفتای گذشته و جنبه های اساسی وضع سیاسی جامعه طرا فرار از منجمال های تبلیغاتی و های وهمی و هر چه برتری ها در برابر انبساط و هنگام روشن ساختن. این واقعیت شوم که رفته رفته ای از زمین آن ها راه هم بیند می دهد. به وضوح نشان داده که رژیم شاه - ملو رحم استبدادی روح پیاده پانی های پر سرود ای خود، نه تنها کوشش مملکت ای به کوشش فضای سیاسی کشور و احیای آزادی های نیک سال شده استبداد ندارد بلکه در ضمن خودی و هم خودی است و هیچ فرضی را برای شکر کردن به خاتمه و خنثی کشیدن آزادی و دوستی ایران و طلب کنندگان آن از دست نمی دهد. این رژیم ها از هالیوس دیگر نایب کرده که رژیم شاه - سواد که در مرحله سیاسی و اجتماعی بر سواهی خلیج و جام و شهری و نجاترانی شده و در مقاله در صفحه ۴

وحدت و تضاد نیروهای ضد استبداد

پشت یکدیگر می کنند و طبقه همه صحن پرستان واقعی و دوستی ایران و کوششندگان راه آزادی است. نزدیکی نیست که هم در ضمن حمله گر و هم باره ای از دوستان فاضل و کم تجربه و هر چه از جوی خود به دلیل خاص خود در این راه سنگ می اندازند. هر چه در کوشش و بهای هر انگیزه و مستعدی در این لحظات سرنوشت ساز، چاه کردن در مسیر جنبش گسترش یابنده و دیگر اینکه و عد و دیکتاتوری خلق های ماست. جنبش خلقی که قب استبداد را آماج قرار داده و در شرایط معدوم و نسی و محظوظات سازمانها و احزاب سیاسی و تشکل های صنفی تنها با اعتماد عمل همه این سازمانها و احزاب می تواند استمرار یابد و خود را تمدنی کند و اشتغال آری با همی راه گیر بسازد. شکه نیست که کفره جوی از اتحاد با نیروهای چپ و حزب طبقاتی کارگر در جنبه فاشون دیکتاتوری بیخیزانند و دشمن را شاد می کند و چرا که اعتراض از این گویان و سازمان یافته ترین نیروی دیکتاتوری که با فرشت خیره مطمح آن جنبه مبارزان ضد استبداد راه آزادی و از هم از زمین خیره به پیوسته و صمیمی می سازد. پیمان نامی و سایر ویژگیها و ویژگی نظری های خطرناکی که زبان خلق و شادی عد خلق می آید و به همه توان و ابتکار خود به بهترین.

دست در برد و هر چه به پشت و تحمل مکرر به حذف آنست و در شرایط بی در نامی از طرفی آن و فاشون چنین آمیز به صولای ترمان و لرزان و در او نباشد شده، به خودی با هیچ حدت هدفی در این تضاد و تضاد نیست یکدیگرند و از طرفی دیگر به خاطر همین خاستگاه طبقاتی و جهان بینی های تضاد و تضاد و تضاد و تضاد برای به دست گرفتن و هر چه به عد دیکتاتوری. سنگین تر کردن وزن خود در این جنبه و بهای دیگر تضاد دارند. مسائل که در حال حاضر در دین نیروهای مسلح و دیکتاتوری به اشکال ختم و مختلف بر روی می آید و از این سرچشمه آب می حورب. اما اگر در این نقاط حساس، توجه این نیروها معطوفی به آن نشود که تمام آنها تحت اشباع وحدت نیروی صمیمی آنها است و هیچ عامل و مانع و مانع آنها به این وحدت لازم و گذر بر را خنده دار کند و نهانی به بلر خواهد آمد اگر جان تمامی این نیروها را خواهد گرفت و بزرگی و ضروری بهره دادن به خفاش خن آستام دیکتاتوری می ناسد و چرا که در حال استبداد است، حاصلی به باز نخواهد آورد. تلاش برای تعقی این وحدت و شناخت و تبلیغ عرصه وسیع و راه درازی که تمدن ضد استبداد می توانست در برابر هر کار هم و پشت به

ما به سر بر گزای بیج های تاریخ صحن خود رسیده ایم. در واقع آغاز شده با سرعت و هم رویداد ها و تکلیف برقی آسای می آید و ی مختلف اجتماعی و سیاسی مشخصی شود. نیروهای ملی و استبداد با فراوانی استبداد در نیروی و فشرده و تنگ تر و رو و در دیگر عد مانند در حالی که مضمون ترین ارتش اجتماعی ما یعنی پرولتاریا و حزب سیاسی آن به میدان شکر و یک سالیا به دلایل صنفی و ذهنی فریکشن کرده بود و با هر چه و صحت و بهی با یک شت است. بهترین های به کار فرستد دیکتاتوری و استبداد طلبانه خلق و تضاد یافته است. تمیزه سرچشمه جامعه به طلب های سیاسی مشخص و تلاطم و تنش های گونه گین شهر جنبه حکومت مطلقه در هم در داخل سنگ های نیروهای عد استبداد از یک سر و مو به تمام همه عناصر و ذخیره های حیاتی رژیم صحران همه حائنه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آنست و از سوی دیگر از تضاد که در جنبه با لایه نیروهای ملی و دیکتاتوری وجود دارد ناشی می شود. این تضاد با تضاد و تضاد اجتماعی و سیاسی این نیروها است. آنها صرف نظر از خاستگاه طبقاتی و آرزو و وفاداری و رسالت های متفاوت خود و بر برابر قوای استبداد که مواضع اساسی جامعه را در

کارگران ایران، در راه احیای سازمان های صنفی و سیاسی خود مبارزه کنید!

محاکمه رژیم ترور و اختناق در دادگستری

جلسات محاکمه ۱۶ دانشجو به اتهام تظاهرات ضد حکومتی در دادگستری تبدیل به ترویج برای افشای جنایات رژیم گردید و فائز و فائزگی های رژیم بی پایانی همدم ماهان را در محاکمه و بیخود و ترقات مشغول نمود.

۱۶ زندی و روشنگر آزاد بنام دادگستری دفاع از ۱۶ دانشجو را به عهده گرفتند و علی رزم همه تهدیدهای ساواک از حیث امنیت و دروغ و در واقع از حلقه های تخریب و ترسناک و گلاوی آزاد اندیشی ناراضی دادگستری دفاع کردند. در این حقیقت که محاکمه تداوم داشت خیل جمعیت به دادگستری مراجع می کردند تا به داخل سالن راه یابند. مردم با خود روزنامه آورده بودند تا برای زمین نشینند و به محاکمه رژیم گوش دهند. در جریان این محاکمه تا یکروز و یکروز (صد روزه) در دفاع از زندی و روشنگر خود گفتند: «خوشتر باطنی با زبون خست حکومت است... در این شرایط فقط آزادی می تواند کمبودها را برطرف کند... اجلاس بازاری و سزای بازاری دولتی نمی تواند مشکلات کشور را حل کند... هیولا و هیولای خودخواه و در دست اندیشان را در رویف ساختن قرار می دهد و نیروهای شرقی را می ترساند. آنها منظران را قل عام می کنند و نظام سیاسی را می آلودند».

در دادگاه ها و مجریه شده و منظره شده از دادگستری می آلودند؟ دادگاه ها و مجریه شده و منظره شده از دادگستری باید به دادگستری بازگردانده شود.

فصل دوم تمام ادعاهای دادستان غربیها گشت: «تشکیل اجتماعات و تظاهرات طبق قانون اساسی آزاد است و توطئه پایدار اساسی همین قانون و از این حرم حمایت کند، اما جانبداری حمایتی را نمی بینیم. در طول مدت محاکمه اگر سرانجام سیاست اشرفه ساواک منجر به محکوم شدن عدوی از جوانان شد، افترا می نسبت به دستگیری تظاهر کنندگان و نگهداشتن غیر قانونی آنها زنده مانده و در لایحه رسا کننده رژیم چون شلیک تیر خلاصه ای در سالن محاکمه می پیچد.

گلگتر و یک دیگر از وکلای مدافع در این محاکمه دستوری گفتمند فائز و شرکت در تظاهرات را جرم نمی دانند و به فریبکاری گوش چنین پادشاهان جرمی سیاسی است و باید هیات ضمه در دادگاه حضور یابد. اگر بیکی به گفتن نیست چرا از حضور هیات ضمه در دادگاه می ترسید؟! و فائز و فائزگی از شمارهای تظاهر کنندگان این بود که: «ترویج از اختناق و خشنودت پلیس به تنگ آمدن آند، به من بگفته اند که این شمار خلاف صالح ملت و مملکت است؟»

مردم در تمام مدتی که حرف فشان از دهان وکلای مدافع برین

بهاره صفی چگونه سیاسی می شود

حزب توده ایران که هزاره این دو جریان ناما کمزور طسور می گوئی کرده است بر آنست که فرصت ها و سازمانها را در نهایت بهره گیری از آنها را انکار می کند با مانه صلحان اجتماعی، بر اشتغال و ابدیت آن صدمه می گذراند. اما حقایق آنرا در بررسی با واقعیت های زندگی روشن نگردد. طبع کنگره زیدی پاپی و ندی از ترمیمات رژیم هرگز و به کار خود به دای که این صلحان درون در رهت ایجاد کرده اند می می برد. حزب توده در ضمن حال منته است که کارگران را فقط با توجیه به تیره و مسلط آگاهی آنها و بدین گسترش از واقعیت می توان رهبری کرد و از اسرار فاشان برای ضد ساختن و تشکیل کارگران باید میان مبارزه اقتصاد و مبارزه سیاسی بیرون نبرد که بر فرار ساخت. در این مسیر از فرصت ها و زمینه های مناسبی می توان برای بالا بردن سطح آگاهی انقلابی زمینستان استفاده کرد.

«انگمن» میخواست بزرگ زمینستان در بررسی جنبشگرایی گمان اهمیت حیاتی تعیین کند. «پوشش مرکز» در هر سه فرسده اقتصادی سیاسی را بدینگونه رانند می کند. و همواره او منظره زنده و پتان در برابر ماست:

«باید انصاف داد که کارگران آلمانی از آزادی و موضعیت خود با گذشتن نامی استفاده کرده اند. از هنگامی که به این جنبشگرایی و این نخستین مبارزه است که به مبارزه در تمام جهات است که آن: در پیچات تیره و سیاسی و «طریق» اقتصادی (ظلمت در برابر سرمایه در لایر طبق برای ضد ساختن و تشکیل کارگران باید میان مبارزه اقتصاد و مبارزه سیاسی بیرون نبرد که بر فرار ساخت. در این مسیر از فرصت ها و زمینه های مناسبی می توان برای بالا بردن سطح آگاهی انقلابی زمینستان استفاده کرد.

رژیم حرمان دادگستری است. نگذارید نظام شاخ کلاهوت آلوده است پلیس شود.

سپس اعلام کرد: «فائز و فائزگی در دادگستری در دادگاه محکوم مخالفین این است که این آزادی را فیل آزادی مردم طلب کرده اند در این صورت با استناد به قانون اساسی کسی که خود را محکوم محکوم است بگریز می تواند به ما آزادی بدهد؟! کاشانی در شرایطی که تمام از سوی رئیس دادگاه به تخریب موضوع بحث میسر نمی شد. اراده داد: «حرام است که این اساسی اساسی است به این معنی که این آزادی می تواند به ما داده اند و همسران کذب هستند و بطور حتم به شدت کنترل و سامسور می شوند و دستور فرزند که از این تشریح می شود آوری کنند» چنان که در جلسات دادگاه ۱۶ وکیل مدافع و زندان از حرم کوی کرد. در هر جلسه دادگاه ۱۶ وکیل مدافع و زندان از این تشریح می شود آوری کنند. در هر جلسه دادگاه ۱۶ وکیل مدافع و زندان از این تشریح می شود آوری کنند. در هر جلسه دادگاه ۱۶ وکیل مدافع و زندان از این تشریح می شود آوری کنند.

به گزارش خبرنگاران نوبت که در تمام جلسات دادگاه حضور داشته و جریان محاکمات را روی نوار ضبط کرده اند. در این نوار از محاکمات دادگاه ۱۶ وکیل مدافع و زندان از حرم کوی کرد. در هر جلسه دادگاه ۱۶ وکیل مدافع و زندان از این تشریح می شود آوری کنند. در هر جلسه دادگاه ۱۶ وکیل مدافع و زندان از این تشریح می شود آوری کنند.

می آمد. آنها را نیروی می گرداند.

نگار ازبید: یکی از رهبران جناح حزب دولتی «دست بر سر مردم گذاشته و گفته است: «آزادی به بیان به شمار اندیم» مگر آزادی به بیان با عنوان آزادی سیاسی صد مدعای دادگستری است؟ بعد از این صحنه های خاص دعوت می کند تا علیه آزادی مردم تعلیمات کند و می بیند و به اصطلاح جلو گفتن اش را بگیرد!

در این محاکمه که در دادگستری در دادگاه ۱۶ وکیل مدافع و زندان از حرم کوی کرد. در هر جلسه دادگاه ۱۶ وکیل مدافع و زندان از این تشریح می شود آوری کنند. در هر جلسه دادگاه ۱۶ وکیل مدافع و زندان از این تشریح می شود آوری کنند.

(ترویج دولتی محکوم به شکست است)

دفاع از حقوق بشر و جنبه روح است که مردم در فتنه های ایران و محبت ایرانیان دفاع از آزادی و حقوق بشر تقریباً به طور همزمان با هم می باشد. در محاکمات دادگستری در دادگاه ۱۶ وکیل مدافع و زندان از حرم کوی کرد. در هر جلسه دادگاه ۱۶ وکیل مدافع و زندان از این تشریح می شود آوری کنند.

در شرایطی که جنبش آزادیخواهان مردم ایران مردم گشته و ترویج دولتی تظاهرات اعتراضی و بعد در یکباره سران ایران را در بر می گیرد و رژیم رسوا و گریا میبرد. در میان تظاهرات گداخته و بی پایه ایها ترویج دولتی و ایجاد محیط فریب و فریب و در کمال به راه انداختن خیمه شب بازی های منجمد و متعفن و مستعجز میسران راه آزادی را را قطع کند تا شاید بدین وسیله پایه های آزادی خرد را چند صباحی پیش از فریب حقیقی و مستقیم برماند.

تشکیل کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران

کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران در باز میسران به با صدور اطلاعیه ای که اعلامی ۹۸ تن از شخصیت های مختلف ایرانی ۴۴ وجهه عدم ای از سرشناس ترین روشنگران آزادیخواه و صحت پرستان آزادی خود را از دست می دهند اعلام موجودیت نمود. «حکومت بی دریغ خود را از فریب ایرانی» زندانیان سیاسی ایران خود را تادیب قرار داد و همه از این بندگان را به پشتیبانی از زندانیان سیاسی ایران از دست می دهد و تولا تروم راه آزادی زندانیان سیاسی ایران را از دست می دهد. از این جهت که کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران اعلام نمود.

اعتصاب در شرکت توانیر

کارگران و کارکنان شرکت توانیر (نیروگاه طرشت) در اول اسفند هفتاد که شته برای رساندن بانگ اعتراض خود به گوش مردم و مسئولان دست از کار کشیدند و در محل تجمعی ایجاد کردند. «توانیر» که در تمام شان بالغ بر ۲۰۰ نفر بود خواهان افزایش دستمزدها و متناسب با افزایش هزینه های زندگی می بودند. از این جهت که اعتصاب کارگران و کارکنان شرکت توانیر (نیروگاه طرشت) در اول اسفند هفتاد که شته برای رساندن بانگ اعتراض خود به گوش مردم و مسئولان دست از کار کشیدند و در محل تجمعی ایجاد کردند.

مردم قهرمان تبریز خیمه شب بازی رژیم را سوا کردند

یکشنبه هفتگشته ما ملان رژیم شاه درست در لحظاتی که صد ها زنده انی سیاسی ایران پس از هفت ماه انصاف خندا در زندان، سر و این با مرگ دست پنجه نرم می کردند و در انصافان مرد چه سخته آمده این رژیم احتیاجی ربه گلوله می بستند. به اشاره شاه به تبریز منتظران اجرا و محاکمات از پیش محکوم به خلق قهرمان آذربایجان در من گسی گشته.

خبرنگاران تیز که از تبریز به شاهد بودند مردم به این شامیان ضربه زده اند ما از این چنین گزارش کرده اند: از چند روز قبل با اعلام سفر هیات دولتی به تبریز روزگاری خسته شب بازی و ستاخی مردم در کوچه بازار رتی به هم پیوسته اند اولین کلا شان پس از اسواول پرسی این بود (ملو) (شاه) از رو تنی...!

خوبی در محلی که قرار بود اسواکی ها با پس بدین از این بود و که های دیگر رژیم در آن جمع شدند تصحیحان خلقی را طبع و رژیم دیکتاتوری به اصطلاح محکوم کنند زیرا کنترل ساواکه و ضربه ای و رفتن قرار گرفت.

مردم با شمس از گذر این معرکه گوی رسوا می گشته پس انصاف به کار خود داده می دادند.

به راستی هم خنده داشت. اگر در میان مردم با یکی داشتند نازی به این همه تلاطمی پاک صحنه سازی صوره سراها ساختگی نمی داشتند. از شب قبل از نما می بود و فریاد انبوهی صاف

روی تحسینگرل قرار کوه و مسافت به تبریز شرف شد. سر نشانی انبوهی بود که روز نمایش وارد شهر شدند. و ناما جانان ساواکه و حال پلیس و ارتش بودند که از تبریز می آمدند. ما گزیده انبوهی شرفت های ادارات شهرهای مختلف آذربایجان که به نزد به تبریز آورده می شدند. بالاخره با تلا شریاد چند هزار نفری را جمع کردند و نمایش در محاصره سربازان تنگه به درونی و سربازان اسلحه به کمر و صد ها مأمور ساواکی اعزامی از تبریز آغاز شد.

در تمام لحظاتی که این نمایش محصله داده داشت مشاهده های شمر بسته بود و مردم به نشانه اعتراض با یکدیگر چه به این خیمه شب بازی برخاسته های خود مانده بودند. در حقیقت شهر یکپارچه در حال انصاف بود. همی جا یکم که از زبان سربازان شرکت مسافر بری با کوش خود مان شنیدیم که:

به کلیه شرکت های مسافر بری دستور داده شد تمام برنامه های مسافرت خود را لغو کنند و انبوهی های خود را در اختیار اسواک ها بگذارند.

گرفتند ادارات تیز دیده شده بودند. از این نمایش چند تیر شرکت یکتد حقوق یک با داشتن توقیف مواجد شده. به آموختن های برستاری و مدارس دخترانه دستور داده شده بود. به نازی از پستاران و دانش آموزان دختر راه میدان قیام تبریز می آورند. در آستانه برگزاری نمایش ناگهان همه ادارات شرکت کنندگان و مافرا تیز بیاد

مأموران بیخ و بیج را نیز گوی هم شروع کردند. مردم جوانی آینه ۲ این سوال خود گویای ماهیت نمایش بود. تازه و برادران قبل از آن که بوش های ساواک بتوانند سر از ما خود را آورند خود را در مسلمان حمایت جا دادند. همه چیز حکایت آن زمانه ای از پیش تر تله شده داشت.

ساواک ترتیب کار را چنان داده بود که بین جایگاه سفیرتاری و اولین گروه حاضران که دختران مدرسه بودند نزدیک به ۳۰ نفر اضافه باشد. بین دختران و اولین صف حاضران هم نزدیک به ۱۰۰ نفر اضافه بود. جایگاه هر سکه های خیمه شب بازی به ترتیب بیشتر از ۱۴ متر از حمایت اضافه داشت. اولین صف را مأموران ساواک تشکیل می دادند که به آنها لباس کارگران و دهقانان را پوشانده بودند.

بعد از این که پارس سگ های دست آوردن قاتلند. آرا بگرام جمعیت شروع به حرکت کرد. اینها که ناخوانده آمده بودند در میان جمعیت خائزانه بودند کار آغاز کرده بودند. آنها در حالی که با سرسبز و مأموران ساواک محاصره شده بودند داشتند به زبان خود حرف می زدند.

هرگاه طبق فرار قبلی با بند ساواکی ها و پاسمان ها سر از آن به اصطلاح شطرنج فریبنا و بد شاه می کشیدند. فقط از همان جلوی جمعیت این کلام نفرت انگیز به گوش می رسید. اما همالجه لاتی تیرانی لاسر چمدان های پارس ها بیشتر می شد. جمعیت اعتراض خود را با تکان خوردن مشمس که چون سوجی در میدان حرکت می کرد و صفوفی جمعیت را می خود می برد و نشان می داد. حال رژیم که شوجه عکس العمل مردم شده بود به وحشت زده مأموران به نخست وزیر که رنگ به رخ ندانست اصطلاح

دادند. ارتش شد شفتت سنگ خاکی شاه به سرعت برنامه را تغییر داد. جمعیت با نقشه قبلی حلقه محاصره را تنگ می کرد. اگر جمعیت به دست شان می افتاد! به سرعت برنامه را کردند و چند برنامه سخنرانی حذف شد. در این مدت جمعیت به فشار خود افزود. نقشه جدیدی بود که البته اضافه ۱۰۰ نفر صف اول با دختران مدرسه بودند. هیچ چیز نمی توانست علوی آن هارا بگیرد. در نایبی بعد اضافه جایگاه

حمایت از پس رفت و جمعی از ساواکی ها که حلقه ترا زده است با مردم تده سعی کردند با فشار دادن شتابان جلوی موج جمعیت را بگیرند. اما این کار هم می نایده بود. وقتی نوبت بازی آموزگار نخست وزیر رسید و فشارهای حساب شده مردم جایگاه سخنرانی را به زور از او برده بود. از کار تمام بود. دست مردم داشت به گوی نوبت بازی شاه می رسید. از سوی دیگر آنها که در وسط میدان بودند حلقه های راه دور بین های تلویزیون روی آن نصب شده بودند. در نتیجه همه

نماور بر پارس هدیه های آموزگار به صورت لوزان ضبط و پخش شد. گراز های شاه با بانوم مان حمایت بخشدند و درست در همین موقع سخن تلویزیونی برنامه بر اثر زد خود مردم با مأموران خلق و فلا شند. بجمه مراسم بعد از این مواجد شده. به این ترتیب نوبت رژیم علیه محکمی خورد. اما کار به آنجا نماندند. گرازهای شاه گروهی را مستقر

کردند و برودن و این ها تازه آغاز پاسخ دندان شکن خلق بود. خبرنگاران نبود می نیستند. در حالی که آموزگار همچنان پارس می کرد آن گروهی که در میان ساواکی ها بودند نمی توانستند حلقه می محاصره را بشکند. به پاری نظار کنندگان بنیادند در سگرت کامل چهره به پشت به جایگاه کرده بودند. چند لحظه بعد آموزگار ناچار به پاری سخنانه داد و مشورا روی کولر گذاشت رفت کنار. فیلساد کسان که زیر صحنه بانوم افتاد بودند همه در اهلرانت استماع قرار داده بود. شهر قهرمان در محاصره ارتش ساواک و ضربه ای هم بانگ اعتراض خود را به گوش همه رساند.

۳۰ مأمور گارد شهرانی که حاضر به کشتار مردم نبودند

از خدمت قرار کردند

به مردم (تبریز) ترحیم داده اند. گاردی ها ۲۴ ساعت آه و ۲۴ ساعت در عرضی اند. اما به هنگام هر جنبشی از سوی مردم اولین آنان هستند که باید می فید و شرط مردم را سرکوب کنند. گاردی ها از زمان تا گاه ترین اختیاری که به نظام گرومی می آورند و انتهای می شوند. شرط اصلی انتخاب افراد گارد شهرانی، بیوسنی بودن کردن گفتی به اصطلاح می گنگ و نیز سادگی گسی است. این هدف در دشوارترین شرایط تعین می. که نسبت ترین صحنه های تبلیغاتی آماده به اصطلاح نورد با شورشیان می نیند. به آنها حقه می شود که شما به سرکوب می گسای می رود که ضد دارند حقوقی تا ن را خلق کنند و مامور و مأموران را مورد تجاوز قرار دهند.

فرماندهان آنها آزاد بدهوان و باحمیان خلقی را شمامان قدر داد میکنند تا از فرقی ترین احساسات آنها سو استفاده کنند به انجام احساسات شمریانی در دیسه ماه اخیر به سال یک سلطه استراک و فرار و نا برمانی، توهمی به مافوق بصیبت و بیعت و همه که در ارتش به صورت امری جاری در آمده است و ثابت می کند که رژیم حق در آمزش

شکاه خود یعنی ارتش نیستی شکان های صبی ضرور شده و صایه های خود را پیش فرزان می بندد.

نظام در نشانه رژیم ناستی شاه به تظاهرات آرام مردم شهرها، نظیر کشتار مردم در باغ فرم تبریز، بزرگ جبهه با هواز علاوه بر خشم و نفرتی که پیش از این در میان مردم بر انگیزت است و در ارتش نیز اثرات خود را به صورت های گوناگون نشان می دهد. ناراضی شدید شهرهای باقی ارتش از اسواک جز گرفته نادر جمه در آن و سربازان، هر روزی شکل بریزند. آماده باش های جاری شبانه روزی و غیر قابل تحمل اخیر در ارتش نیز تاریخ را بر سر صبح و تشدید کرده است. خبرهای مثبتی حاکی است که در یکی این بند

چهارمین ارگان ها و مواجد های رژیم پلیسی که برای سرکوب مردم و محترض و آزاد بخواد تخلف می بینند و همین در گارد شهرانی است. ه صمان این گروه روزگرمه است. از استان سال پیش تا کنین که اعتراضات و تظاهرات دانشجویان و مردم در مرصه دانشگاه هسا

خیابانها و کوچه بازار بالا گرفت و گارد شهرانی هزاره مأمور بیست سرکوبی و راندگار های اولی به معیبه داشته است. در این مدت حدود ۳۰ تن از افراد گارد شهرانی ناپدید شده اند و از آن ها تشانی در دست نیست. که به احتمال قریب به یقین این عده فرار و فرار از لاسان پلیس رنده و رژیم و تحمل فشار کازینکا های شعلی و حقوقی های بخور و زهر و جهنم از همه زیر گوی بالا استان در زمینه اجبار به سرکوبی می رجمانه هر حرکت اعتراضی مردم (آزین) بجه و

چرا باید مردم را به گلوله بست؟

وقت و بی وقت با تلفن با افراد مأمور به در خانه های واحد ها حاضر می شدند. کارند این که در مواقع هادی در سازمان های ارتش گسی می برانند و قادر به تحمل حدود ۱۰ ساعت بگاری با رفت گذرانی گساست بار و ذباب دهند در ادارات نبودند. تمام مدت به فرماندهان و بالادستان و بزرگ ارتش را فرماندهان فاشنیکار می کردند. بسیاری از پاسمانها که از فقر دانی و دستورات ضد انسانی به مشوره آمده بودند. بین خودی گفتند: "نپاید بهی مردم شلیت کرد. اینکارها عاقبت ندارد. خودشان در مرکز پشت صمیز نشسته اند و پارانوی میدان شری می کنند که مردم را به گلوله بندد. بگردد چه دل خوبی از دستگارد رژیم. و تازه این ها که شلوخ می کشند و بیشتران آدم حساسی اند و انشجو معلم و معلم و محصل و زمختک..."

به دنبال حادثه خونی تبریز در ارتش فخرات بود ای به منظور به گاردی افراد و پرسنل نظامی وضع شده. این فخرات که تا چند روز به شدت برقرار بوده و هنوز هم در برخی از واحدهای حصار تبریز احساس می شود. روزگاری بر ارتشبان به ویژه های باقیمان (افسوان جزه درجه داران و سربازان و پرسنل اداری) سیاه کرده و سرورده ای آن هارا در آورده است. در کله ادارات ارتش از ۲۹ بهمن (روزگشمار مردم تبریز) آماده باش اعلام شد. از آن پس همه روزمردم به سله چهارکادر همزمان واحد نظامی و اداری ارتش باید از ۷ صبح تا حدود ۱۰ شب در محل کارشان حاضر باشند تا در صورت وقوع حوادث به کار گرفته شوند! مرغمی کله انسان و سربازان در مرصه داران و پرسنل اداری به گل لغو خود حتی آنها که در عرضی بودند

با ما به آدرس زیر گایه کتبه

Sweden
1002B Stockholm 49
P.O.Box 49034

حساب بانکی ما

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
Nr O 400 126 50
Dr. Takman

متحد شویم و رژیم ضد ملی و استبدادی شاه را سرنگون کنیم!